

Andishe-e-Taqrrib.35 Vo1.13.No.4.Winter 2018 P 111-138	اندیشه تقریب سال سیزدهم شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۶ پیاپی ۳۵ ص ۱۱۱ - ۱۳۸
--	---

## بررسی و نقد اندیشه‌های جهادی تکفیری از نگاه علمای اهل سنت

سیدعباس نبویان حمزه کلائی<sup>(۱)</sup>

### چکیده

یکی از مشکلات جوامع بشری در عصرهای گذشته و حاضر، گروه‌های تکفیری هستند که با الهام از اندیشه‌های افرادی همچون ابن تیمیه و محمدبن عبدالوهاب، مشکلاتی را برای جامعه جهانی به طور عام و جامعه اسلامی و مسلمانان به طور خاص پدید آورده‌اند. بیشترین مشکلات به وجود آمده از سوی این گروه‌ها ناشی از اندیشه‌های سلفی و جهادی آنان است که از عمده‌ترین اندیشه‌های یادشده می‌توان به اندیشه اسقاط حکومت‌های کنونی و احیای خلافت اسلامی با زور و غلبه، عامیانه کردن مفهوم جهاد، بسط مفهوم جهاد و توسعه آن به دیگر حوزه‌ها، اولویت جهاد بر سایر فروع دین و محدود کردن مفهوم جهاد به جنگیدن و قتال اشاره کرد. در این پژوهش، درصددیم پس از معرفی اجمالی گروه‌های تکفیری عصر حاضر، اندیشه‌های جهادی آنان را از نگاه فقیهان مذاهب اهل سنت بررسی کنیم تا ضمن اثبات بطلان اندیشه‌های یادشده، این نکته را یادآوری کنیم که مخالفت با اندیشه‌های یادشده به فقیهان امامیه منحصر نیست، بلکه فقیهان مذاهب اهل سنت نیز با این اندیشه‌ها مخالف هستند؛ زیرا این دیدگاه‌ها هیچ تناسبی با شرع و عقل سلیم ندارند.

**واژگان کلیدی:** جهاد، گروه‌های تکفیری، فقه، اندیشه‌های جهادی، اهل سنت.

---

(۱). دکترای ادیان و مذاهب.

## مقدمه

گروه‌های سلفی جهادی مانند طالبان، القاعده، داعش، جبهه‌النصره و... که امروزه در مناطق مختلف دنیا، به‌ویژه در غرب آسیا و شمال آفریقا، سر برآورده‌اند، مبانی نظری و فقه سیاسی خود را از عالمان سلفی تندرویی اخذ می‌کنند که با نگاهی نو به مبانی سلفیه و فقه اهل سنت می‌نگرند و بدون پایبندی به اصول و ضوابط اولیه نظریات علمای بزرگ اهل سنت و حتی سلف خویش، درصدد پایه‌گذاری بنیان‌های فکری جدیدی در عرصه‌های مختلف کلامی و فقهی و سیاسی هستند. در این میان، برخی از مفاهیم موجود در فقه اهل سنت، بیش از پیش محل عنایت این گروه‌ها قرار گرفته‌اند؛ از این رو به تئوری‌پردازی در این مفاهیم و موضوعات می‌پردازند و نظرات کلامی و فقهی سابق را به‌راحتی کنار می‌گذارند. یکی از این مفاهیم که نقشی محوری در شکل‌گیری و تداوم حرکت گروه‌های سلفی و تکفیری داشته، مفهوم جهاد است. تغییر در مفهوم جهاد از نظر فقه سیاسی اهل سنت از ابن تیمیه و سپس محمدبن عبدالوهاب پدید آمد و گروه‌های تکفیری یادشده از بازخوانی و اجرای این مفاهیم تغییر کرده، سر برآوردند.

سلفیان جهادی ابتدا در مفهوم توحید و شرک تغییر ایجاد کردند و راهی به جز سلف خود پی گرفتند و براساس تلقی خاص خود از مفاهیم مذکور، بسیاری از انسان‌ها و حتی مسلمانان را به شرک اکبر متهم کرده و آنان را تکفیر کردند و خون آنان را مباح شمردند.

آنان پس از این مرحله، به تکفیر تمامی حکومت‌ها و دولت‌ها در سرزمین‌های اسلامی — که اکنون آن‌ها را دارالشرك می‌خوانند — پرداختند و تنها راه برای خروج از دارالشرك را تشکیل خلافتی اسلامی، همانند خلافت اسلامی در سده اول هجری قلمداد کردند و برای رسیدن به این منظور، بهترین راه را جهاد برضد حکومت‌های یادشده دانستند.

آنان جهاد نظامی را در جایگاهی همانند اصول دین و حتی جلوتر از آن قرار داده و مفهوم جهاد را بسط دادند و فتوا به جهاد را در اختیار همگان نهادند. این جریان‌های سلفی جهادی، در اغلب روش‌های تفکر و استنباط و ابزار عملکرد، راهی برخلاف مبانی فقه سیاسی مذاهب اهل سنت و حتی سلف خود در پیش گرفتند. نتیجه چنین رویکردی فجایع و حوادث هولناک فراوانی است که این تفکرات ناراستین در بسیاری از سرزمین‌های اسلامی و غیراسلامی به بار آورده‌اند.

در این پژوهش کوشش شده است افزون بر معرفی اجمالی گروه‌های تکفیری عصر حاضر، اندیشه‌های جهادی آنان از نگاه فقیهان مذاهب اهل سنت بررسی و نقد شود تا علاوه بر شناخت جریان‌های انحرافی عصر حاضر، فاصله میان اندیشه‌ها و رفتارهای جریان سلفی یادشده با فقه و فقهای اهل سنت نمایان گردد و از هم‌ردیف کردن سایر اهل تسنن با این جریان‌های سلفی جلوگیری شود.

### جریان‌شناسی گروه‌های تکفیری

امروزه در جهان گروه‌های متعددی به نام اسلام و ادعای بازگشت به احکام و قوانین اصیل شریعت اسلامی اعلام وجود می‌کنند و با تکفیر سایر مسلمانان و رفتارهای خشونت‌آمیز در نقاط مختلف سرزمین‌های اسلامی و غیراسلامی به جنگ و خونریزی می‌پردازند که در این بخش از نوشتار به مهم‌ترین گروه‌های یادشده و منشأ پیدایش و برخی مبانی فکری آن‌ها اشاره می‌کنیم.

#### (۱) القاعده

جهاد در برابر ارتش کمونیستی شوروی موجب ائتلاف سه رهبر بزرگ سلفی حاضر «عبدالله عزام فلسطینی» و «اسامه بن لادن عربستانی» و «ایمن الظواهری مصری» در افغانستان گردید که این جریان یکی از مهم‌ترین وقایع جهاد در این کشور است. حضور این افراد در افغانستان علاوه بر تشویق و سامان‌دهی نیروهای جهادی غیربومی،

زمینه ساز پیدایش جریان جهادی فراگیری به نام «القاعده» شد (برگر، ۱۳۹۰ش، ص ۱۲۸)؛ همچنین باید به نقش پررنگ آمریکا در تأسیس القاعده توجه داشت (کمیل الطویل، ۲۰۰۷م، ص ۱۳-۱۴).

هیلاری کلینتون در مصاحبه با شبکه فاکس نیوز زمانی که جای خود را در وزارت خارجه آمریکا به جان کری تحویل می داد، در سخنانی که به صورت ویدئوی کوتاه منتشر شد، اعتراف کرد که این کشور برای مقابله با اتحاد جماهیر شوروی سابق، القاعده را ایجاد کرده است. وی در این ویدئو گفته است: «بیاید به خاطر آوریم که کسانی که هم اکنون با آنها در حال جنگ هستیم (شبکه القاعده)، همان کسانی هستند که بیست سال پیش به آنها کمک مالی کردیم. وزیر خارجه اسبق ایالات متحده، انگیزه این کمک را مقابله با درگیری اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان ذکر کرده و تصریح کرد که آمریکا از این طریق می خواست اجازه ندهد که روس ها کنترل آسیای مرکزی را به دست گیرند» (کلینتون، مصاحبه با شبکه فاکس نیوز، می ۲۰۱۳).

### مبانی فکری القاعده

تفکرات القاعده بر پایه های اندیشه های سلفی استوار است. القاعده و رهبران آن قرائتی افراطی و متعصبانه از اسلام دارند. آنها در طول حیات خود با جریان های گوناگونی در مصر، عربستان، پاکستان و افغانستان ارتباط داشته اند. اعضای عادی این گروه رادیکال گرایش های افراطی ضد شیعی با رگه های فکری وهابی و تفکر افراطی سلفی دارند (هوشنگی، ۱۳۹۰ش، ص ۴۷۳)، ولی رهبران القاعده به طور خاص، بیشتر از تفکر حاکم بر جریان های اخوانی مصر اثر پذیرفته اند. بر این اساس، بسیاری از رهبران و جریان های سلفی مصری یا به عضویت رسمی القاعده درآمده اند یا از آن حمایت کرده اند؛ هرچند برخی از آنها در ادامه با فاصله گرفتن از این گروه و تألیف کتاب یا مقاله به شدت منتقد عملکرد القاعده شده اند. شالوده فکری القاعده را می توان در آرای سه نظریه پرداز اولیه این گروه، یعنی «عبدالله عزام» و «ایمن الظواهری» و «اسامه

بن‌لادن» جست‌وجو کرد.

سازمان القاعده پس از یازده سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی و عملیات معروف آن، به سرعت گسترش یافت و در بسیاری از کشورها نفوذ کرد. مهم‌ترین شاخه‌های القاعده عبارت‌اند از:

#### **الف) القاعده در جزیره العرب**

القاعده در جزیره العرب اولین شاخه القاعده در خارج از مرزهای افغانستان است. رهبر این گروه یوسف العبیری متولد عربستان بود. مهم‌ترین شعار این گروه «أخرجوا المشركين من جزيرة العرب» بود. این گروه برای تحقق این شعار بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸ میلادی عملیات متعددی را علیه خارجی‌ها در عربستان انجام داد (عماد، ۲۰۱۳م، ص ۱۴۱۷-۱۴۲۴).

#### **ب) القاعده در یمن**

ابوعلی الحارثی را اولین رهبر رسمی القاعده در یمن دانسته‌اند که در بمباران یکی از هواپیماهای بدون سرنشین آمریکایی در سال ۲۰۰۲ میلادی کشته شد و گروه تحت رهبری وی نیز در اقدامی تلافی‌جویانه، نفت‌کش فرانسوی لامبرگ را هدف قرار داد. در دسامبر ۲۰۰۹ میلادی، شاخه القاعده در جزیره العرب با القاعده یمن با عنوان «تنظیم القاعده فی جزیره العرب» تلفیق شد و با ابی‌بصیر ناصر الوحیشی به‌عنوان رهبر این جریان در جزیره العرب بیعت کرد (گروهی از نویسندگان، ۲۰۱۲م، ص ۱۱۱-۱۱۲؛ عماد، ۲۰۱۳م، ص ۲۳۸۵-۲۳۸۱).

#### **ج) القاعده در بلاد المغرب العربی**

القاعده فی بلاد المغرب العربی یا فی بلاد المغرب الاسلامی از بطن گروه تروریستی «السلفية للدعوة والقتال الجزائرية» به وجود آمد که در سال ۲۰۰۶ میلادی پیوستن خود را به جمعیت القاعده با رهبری بن‌لادن اعلام کرد و سال بعد نام خود را به اسم کنونی تغییر داد. رهبر این گروه عبدالملک دروگدال است. ادعای این گروه آزادی مغرب اسلامی از وجود دولت‌های غربی، از جمله فرانسه و آمریکا و گروه‌های سرسپرده آنان است و در نهایت، هدف خود را تشکیل حکومتی بر مبنای شریعت

اسلامی می‌داند (عماد، ۲۰۱۳م، ص ۱۵۸۳-۱۶۰۰).

القاعده همچنین در عراق، پاکستان، سوریه، لبنان و برخی از کشورهای غربی نیز گروه‌هایی تشکیل داده است و سعی می‌کند اقدامات تروریستی خود را گسترش دهد. در این نوشتار، مجالی برای پرداختن به سایر شاخه‌های القاعده نیست.

## ۲) داعش

در ژانویه سال ۲۰۰۶، سازمان القاعده فی بلاد الرافدین (شاخه القاعده عراق) به سرکردگی زرقاوی با گروه‌های جهادی و سلفی کوچک‌تر ادغام شد تا «مجلس شورای مجاهدین» را تشکیل دهد. پس از آن، زرقاوی رهبر القاعده عراق باقی ماند؛ اما ابوعمر البغدادی ریاست مجلس شورای مجاهدین را بر عهده گرفت. در اکتبر ۲۰۰۶ با مرگ زرقاوی و نبود رهبر و سازمان سلفی قدرتمند، سازمان دولت اسلامی در عراق اعلام وجود کرد و رهبری این سازمان را ابوعمر البغدادی بر عهده گرفت که پیش از این، رئیس مجلس شورای مجاهدین بود. وی اسم گروه را به دولت اسلامی در عراق تغییر داد (عبدالرحیم جمال و ایمن الظواهری، بی‌تا، ص ۱۶۰؛ قاسمی ورجانی، ۱۳۹۴ش، ص ۹۵).

دولت اسلامی عراق از این پس به‌نوعی نمایندگی القاعده را در عراق بر عهده داشت؛ چراکه اکثر عناصر اصلی آن، از جمله وزیر جنگ این گروه به نام «ابویوب مصری» معروف به «ابوحوزه المهاجر»، یکی از اعضای مهم القاعده در افغانستان بود. این امر باعث تشدید اختلافات میان سران القاعده گردید. درحالی‌که بن‌لادن این کار را امری مبارک می‌دانست، الظواهری معتقد بود اوضاع به‌گونه‌ای نیست که بتوان دولت تشکیل داد.

ابوعمر بغدادی در سال ۲۰۱۰ کشته شد و ابوحوزه المهاجر رهبر گروه شد و البته چند ماه بعد او نیز کشته شد و با کشته‌شدن وی ابوبکر البغدادی رهبر دولت اسلامی عراق و شام گردید. گروه‌های تکفیری در برخی کشورها همچون لیبی، مصر، افغانستان، نیجریه، سومالی و فیلیپین نیز با داعش بیعت کردند.

## برخی تفکرات و اعتقادات داعش

ابوعمر البغدادی در سال ۲۰۰۷ میلادی با انتشار بیانیه‌ای در قالب وضع قوانین، عقاید گروه خود را در معرض افکار عمومی جهان قرار داد. با مطالعه دقیق این قوانین می‌توان به عقاید انحرافی و افراطی داعش پی برد. آنان فقط خود را مسلمان واقعی می‌دانند و مخالفان با این اندیشه‌ها را مرتد و مشرک و کافر می‌پندارند.

مطابق با بیانیه منتشرشده داعش، برخی از عقاید نوزده‌گانه این گروه به قرار زیر است:

۱. ما به نابودی تمام مظاهر شرک و تحریم ابزارهای آن اعتقاد داریم؛ به دلیل روایت صحیحی که مسلم از ابوالهیاج اسدی نقل می‌کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این روایت به حضرت علی علیه السلام فرمود:

«تو را به سوی چیزی می‌فرستم که من برای آن مبعوث شده‌ام و آن امر این است که تمام تمثال‌ها را نابود کنی و تمام قبرهایی را که بلند هستند، مسطح و صاف نمایی» (مسلم بن حجاج، بی تا، ج ۳، ص ۶۲).

۲. به اعتقاد ما، رافضی‌ها [شیعیان] طایفه‌ای مشرک و مرتد هستند که از تطبیق بسیاری از شعائر ظاهری امتناع می‌ورزند؛ بنابراین هیچ شیعه‌ای مسلمان نیست و قتل آن‌ها جایز، بلکه واجب است.

۳. به اعتقاد ما «ساحر» کافر و مرتد و قتلش واجب است و توبه او درباره احکام دنیوی بعد از تسلط بر او، پذیرفته نیست. عمر بن خطاب گفته است: «حدّ ساحر کشتن او با شمشیر است»؛ بنابراین ساحر بدون هیچ تأملی کشته می‌شود.

۴. مسلمانان گناهکار اهل سنتی که به سوی قبله نماز می‌خوانند و زنا و شرب خمر و سرقت انجام می‌دهند، تا زمانی کافر نیستند که آن‌ها را حلال ندانند.

۵. دیدگاه ما درباره ایمان، دیدگاهی بین خوارج غلوکننده و اهل مرجئه افراط‌کننده است. کسی که شهادتین بگوید و اسلام خود را آشکار کند و نواقض اسلام را انجام ندهد، با او معامله مسلمان می‌کنیم و باطن او را به خداوند متعال واگذار می‌کنیم.

۶. رجوع به محاکم شرعی در دولت اسلامی برای رفع اختلاف و تحاکم میان افراد، براساس شرع خداوند واجب بوده و در صورت جهل به حکم الهی، تحقیق برای علم پیدا کردن به آن نیز واجب است.

۷. تمام کسانی که اشغال‌گران را به هر نحوی (غذا، لباس، درمان و...) کمک کنند و باعث تقویت و قدرت آن‌ها شوند، کافر و مرتدند و خون آن‌ها مباح است.

۸. جهاد در راه خدا از زمان سقوط آندلس، برای آزادی شهرهای مسلمان‌نشین، بر تمام افراد واجب عینی است و بزرگ‌ترین گناهان بعد از کفر به خدا، نهی از جهاد در راه خداست؛ درحالی که جهاد واجب عینی است. ابن‌حزم می‌گوید:

«هیچ گناهی بعد از کفر به خدا، بزرگ‌تر از نهی از جهاد در راه

خدا نیست.»

۹. امروز گروه‌های اهل کتاب و صابئان و مانند این‌ها، در دولت اسلام حکم دشمن را دارند و اهل ذمه شمرده نمی‌شوند؛ زیرا عهد خود را به شکل‌های گوناگون شکسته‌اند؛ بنابراین اگر امنیت و امان بخواهند، باید پیمان جدیدی با دولت اسلامی ببندند و شروط مادام‌العمری که نقض کردند، متوقف خواهد شد.

۱۰. همانا فرزندان جهادی که در میدان عمل فعال‌اند، برادران دینی ما هستند و ما آن‌ها را به کفر و فسق متهم نمی‌کنیم؛ اما آن‌ها به دلیل تخلف از واجب زمانه که اجتماع زیر پرچم واحد است، دچار عصیان شده‌اند.

۱۱. به گروه‌ها و اشخاصی که پیمانی با اشغال‌گران متجاوز ببندند، هیچ تعهدی نداریم؛ بلکه از نظر دولت اسلامی آن‌ها باطل و مردود هستند؛ بنابراین اشغال‌گران را بر حذر می‌داریم از اینکه بدون اذن دولت اسلامی هرگونه پیمان سرّی یا علنی ببندند.

۱۲. تکریم و تعظیم علمای عامل و صادق واجب است و در مصیبت‌ها از آن‌ها حمایت می‌کنیم و کسانی که به شیوه طاغوت عمل کنند یا در دین خداوند فریب‌کاری کنند، رسوا خواهیم کرد.



۱۳. به حق کسانی که از ما در جهاد سبقت گرفتند، معرفت داریم و آن‌ها را در جایگاهشان قرار می‌دهیم و جانشین خوبی برای آن‌ها دربارهٔ خانواده و اموالشان هستیم (ابوعمر البغدادی، نخبهٔ الاعلام الجهادی، نک:

[www.nokbah.com/w3/?p=1264](http://www.nokbah.com/w3/?p=1264)

نوار صوتی این سخنرانی هم در همین لینک وجود دارد و در یوتیوب با نام «هذه عقیده الدولة الاسلامیة فی العراق و الشام» موجود است (عابدی، ۱۳۹۵ش، ص ۱۶۰-۱۶۳).

### ۳) طالبان

جنبش تکفیری طالبان پس از شکست ارتش شوروی و سقوط آخرین نظام کمونیستی در آوریل ۱۹۹۲ میلادی و با انتقال قدرت به گروه‌های جهادی در اواخر سال ۱۹۹۶ میلادی (پاییز ۱۳۷۲ شمسی) پدید آمد.

با ظهور طالبان، اوضاع سیاسی و امنیتی کشور افغانستان وارد مرحلهٔ نوینی شد. این گروه افراطی با پیام بازگشت صلح و حاکمیت شریعت و دفاع از تمامیت ارضی افغانستان، با سرعتی تصورناپذیر توانست با تغییر موازنهٔ قدرت به نفع خود، در زمان کوتاهی بیشتر استان‌های کشور را تسخیر کند و کابل را در اختیار خود بگیرد (سرافراز، ۱۴۲۹ق، ص ۸۱؛ امینی، ۱۳۹۳ش، ص ۵۲).

بدیهی است که اهداف اعلام‌شده از سوی این گروه در آغاز، برای ملت خسته از جنگ‌های طولانی در افغانستان بسیار امیدوارکننده بود؛ ولی با گذر زمان و تسلط طالبان بر بیشتر استان‌های کشور، ماهیت این گروه برای مردم آشکار شد. افغان‌ها رفتار وحشیانهٔ این گروه با مردم و به‌ویژه شیعیان را با اهدافی که در ابتدای قدرت‌گرفتنشان بیان کرده بودند، در تعارض آشکار یافتند.

### مبانی فکری طالبان

دربارهٔ خاستگاه و چگونگی شکل‌گیری اندیشهٔ دینی طالبان ذکر دو نکته ضروری است: الف) برخی پژوهش‌گران معتقدند که باورهای اعتقادی این جنبش از مدارس دینی

دیوبند نشئت گرفته است.

ب) برخی دیگر اعتقاد دارند اصول اندیشه و افکار این گروه متأثر از فرقه وهابیت است. با بررسی سیر تاریخی اندیشه دینی طالبان و واکاوی تفکرات مذهبی آنان مشخص می‌شود که سران و هسته مرکزی این جنبش تندرو در مدارس تحت پوشش عالمان دیوبندی آموزش دیده‌اند و تفکراتشان براساس عقاید این دسته از عالمان اسلامی شکل گرفته است؛ بر همین اساس، برهان‌الدین ربانی در سخنانش یکی از شیوه‌های شناخت اندیشه و روش طالبان را آشنایی با عقاید علمای سلفی دیوبندی پاکستان دانسته است (مهاجرانی، ۱۳۸۲ش، ص ۱۰۶).

#### عوامل شکل‌گیری طالبان

تحلیل‌گران سیاسی درباره شکل‌گیری و ظهور طالبان و زمینه‌های آن، رویکردهای متفاوتی دارند. عده‌ای عامل شکل‌گیری این جنبش را دستگاه امنیتی پاکستان (ISI) می‌دانند (کریمی حاجی خادمی، ۱۳۹۲ش، ص ۳۵). گروهی دیگر، عملکرد نامطلوب رهبران جهادی و درگیری نیروهای داخلی را در ظهور طالبان مؤثر دانسته‌اند (پهلوان، ۱۳۷۰ش، ص ۲۳)؛ ولی با بررسی همه ابعاد این موضوع، روشن است که عوامل زمینه‌ساز ظهور طالبان، مجموعه‌ای از وقایع داخلی افغانستان و مؤلفه‌هایی چون فقر فرهنگی و اقتصادی، تعصب قومی و قبیله‌ای، فقدان قانون اساسی قابل قبول ملت، سنت‌های پایدار و انعطاف‌ناپذیر مذهبی، نبود نیروهای کاردان و اموری از این دست است (امینی، ۱۳۹۳ش، ص ۵۸).

#### ۴) سپاه صحابه

این دسته یکی از گروه‌های فعال تکفیری در کشور پاکستان است. این گروه در تاریخ ششم سپتامبر ۱۹۸۵ با تلاش یکی از روحانیون سنی متعصب به نام «حق‌نواز جهنگوی» در شهر جهنگ از توابع ایالت پنجاب به فاصله حدود پنج سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بنیان‌گذاری شد. حق‌نواز جهنگوی پیش از تأسیس

گروه «سپاه صحابه» معاون شاخه «جمعیت علمای اسلام» در پنجاب بود؛ سپس به همراه «ضیاء الرحمن فاروقی» و «ایثارالحق قاسمی» و «اعظم طارق»، با هدف جلوگیری از نفوذ ایران در پاکستان، دشمنی با شیعیان، مبارزه با مراسم مذهبی آنان و ادعای حفظ و پاسداری از حرمت صحابه، سپاه صحابه را تشکیل داد (جمالی، ۱۳۹۰ش، ص ۲۸).

مولوی جهنگوی که به ضدیت با شیعیان شهرت داشت، پس از پنج سال رهبری این گروه، در سال ۱۹۹۰ میلادی به قتل رسید. پس از او ایثار قاسمی و بعد از قتل وی در سال ۱۹۹۸ میلادی، ضیاء الرحمن فاروقی و سپس اعظم طارق مسئولیت این گروه تندرود را بر عهده گرفتند. اعظم طارق متهم است که در حدود ۱۰۳ مورد ترور مقامات شیعیان مسئولیت مستقیم داشته است.

سپاه صحابه به دنبال آن است که دولت پاکستان مذهب شیعه را رسماً اقلیتی غیرمسلمان اعلام کند (همان). به اعتقاد آنان، ۹۸ درصد جمعیت پاکستان را اهل سنت تشکیل می‌دهند و فقط ۲ درصد آن شیعیان هستند؛ پس این اقلیت صلاحیت ندارد که با تشکیل حزب و امثال آن در پاکستان به فعالیت بپردازد (همان، ص ۵۴). از نظر این گروه، مهم‌ترین وظیفه هر عضو سپاه صحابه مبارزه با شیعیان است (همان، ص ۶۸). این گروه و شاخه نظامی آن، یعنی لشکر جهنگوی، از خطرناک‌ترین گروه‌های تکفیری محسوب می‌شوند؛ به طوری که افزون بر ترور بسیاری از سیاست‌مداران پاکستانی، مسئولیت اصلی کشتار بسیاری از شیعیان پاکستان و مقامات و شهروندان ایرانی نیز متوجه آن‌هاست (رب‌نواز طاهر، بی‌تا، ص ۲۴؛ فاروقی، ۱۹۹۵م، ص ۱۳).

افزون بر گروه‌های یادشده، در برخی کشورهای دیگر اسلامی نیز جریان‌ها و گروه‌های افراطی و تکفیری دیگری همچون بوکو حرام در نیجریه، الشباب در سومالی، ابوسیف در فیلیپین و جیش العدل در ایران وجود دارند که تشکیل این گروه‌ها و مبانی فکری آنان همانند گروه‌های یادشده یا نزدیک به آنان است که در این نوشتار، امکان پرداختن به همه آن‌ها وجود ندارد.

## اندیشه‌های جهادی گروه‌های تکفیری

گروه‌های یادشده افکار و اندیشه‌های جهادی متعددی دارند که براساس اندیشه‌های یادشده در کشورهای اسلامی یا غیراسلامی به کشورگشایی و گاه پدیدآوردن فجایع و حوادث هولناک اقدام می‌کنند. این اندیشه‌ها گاه منحصر به یک گروه خاص و گاه مشترک میان دو یا چند گروه از آنهاست. برخی از مهم‌ترین اندیشه‌های یادشده به قرار زیرند:

### ۱. اسقاط حکومت‌های کنونی و احیای خلافت اسلامی با زور و غلبه

خلافت نمونه آرمانی دولت اسلامی از دیدگاه اهل سنت است (نک: شلیبی، ۱۹۶۶م، ج ۲، ص ۳۶). اهل سنت دیدگاه سیاسی خاصی دارند. آنان معتقدند که صحابه میراث پیامبر ﷺ را حفظ و به نسل‌های آینده منتقل کرده‌اند. از نظر آنان صحابه در نظر اهل سنت در بالاترین درجه از صلاح و تقوا هستند و تردید در کردار آنها و نقل قول‌هایی که از پیامبر ﷺ دارند و نقد آنها به هیچ وجه روا نیست (اسعد قاسم، ۱۴۱۷ق، ص ۳۸). از نگاه اهل سنت، دوران حکومت طلایی مسلمانان در اندلس اسلامی، یادآور شکوه و عزت صدر اسلام بود. تا قبل از فروپاشی امپراتوری عثمانی نیز پیروان مکتب خلفا خلأ حکومت اسلامی را احساس نمی‌کردند؛ اما با فروپاشی سلطنت عثمانی و استیلای دولت‌های غربی بر سرمایه‌های مسلمانان که همراه با نفوذ فرهنگ بیگانه به مرزوبوم اسلامی بود (محیطی، ۱۳۹۴ش، ص ۲۲)، تفکرات نویی درباره مسئله خلافت ایجاد شد.

به عبارت دیگر، خلافت عثمانی نه فقط آخرین دوره نظام حکومتی خلافت در جهان اسلام، بلکه نقطه پایانی بر رویکردهای سنتی و کهن به مفهوم خلافت بود. تحولات گسترده و پیچیده و سریع جهانی در تمامی عرصه‌های حیات اجتماعی، اعم از سیاسی و فرهنگی و اقتصادی، آرای اندیشمندان مسلمان را عمیقاً متأثر کرد و نگرش آنان به مفهوم خلافت را نیز تحت تأثیر قرار داد و امواج آنکه از اواسط قرن سیزدهم و

چهاردهم در خاورمیانه و شبه قاره هند نمایان شد، به تدریج ابعاد گسترده‌ای یافت (مؤسسه دائرةالمعارف الفقه الاسلامی، ج ۱، ص ۷۱-۷۴، ذیل مدخل خلافت).

بعضی متفکران مسلمان مانند سیدجمال‌الدین اسدآبادی، محمد عبده و حسن البنا، در پی مبارزه با غرب‌زدگی و احیای حکومت اسلامی برآمدند و برای تحقق امت واحده اسلامی، گام‌هایی در جهت تقریب بین مذاهب اسلامی برداشتند و فعالیت سیاسی — حزبی را آغاز کردند، اما با غلبه تعصبات قومی بر ارزش‌های دینی در جامعه اسلامی، ناکام ماندند.

در نیمه دوم قرن بیستم، گروه‌هایی از جوانان مصری که اغلب گرایش‌های سلفی داشتند، با تأثیرپذیری از اندیشه‌های انقلابی سید قطب، از فعالیت آرام حزبی فاصله گرفتند و با ایده ایجاد حکومت اسلامی، حرکتی افراطی را برپایه تکفیر و جهاد بنا گذاشتند؛ اما تلاش‌های این گروه افراطی نتیجه‌بخش نبود و بسیاری از رهبران فکری اخوان‌المسلمین به شیوه حسن البنا، یعنی مدارا با حکومت، بازگشتند و گروهی نیز بر اجرای عملیات نظامی برای احیای خلافت تأکید کردند که نتیجه‌ای جز ایجاد فضای ناآرام اجتماعی نداشت. این حرکت جهادی که گام‌های نخست خود را در مصر برداشت، در سال‌های اخیر به جریانی فکری تبدیل گردیده و با انتشار در بیشتر کشورهای اسلامی، باعث ناامنی و بروز مشکلات فراوانی شده است (محیطی، ۱۳۹۴ش، ص ۲۲).

گروه‌های جهادی یادشده براساس نظر سید قطب معتقد بودند که تمام سرزمین‌ها یا دارالاسلام هستند، یعنی دولتی اسلامی بر آن سرزمین حاکم است و شریعت و حدود خدا اقامه می‌شود و مسلمانان یار و دوست یکدیگرند (سید قطب، بی‌تا، ص ۲۴۷) یا جامعه‌ای غیر از این هستند که دارالحرب یا جامعه جاهلی نامیده می‌شود و بندگی‌شان ویژه پروردگار یگانه نیست (همان، ص ۱۶۹)؛ ازاین‌رو وظیفه مسلمانان در چنین جامعه‌ای پیکار یا صلح بر مبنای امان‌دادن و جزیه‌گرفتن است. براین اساس، تازمانی که

خلافت اسلامی احیا نشود، همه سرزمین‌ها دارالحرب هستند.

Virtual Caliphate. Yaakvy Lappin, exposing the Islamics' Internet. D.C.

در این تفکر، دفاع از دارالاسلام براساس قاعده نفی سبیل بر همگان واجب عینی است و در این دفاع، کودکان بدون اجازه پدر و مادر، و زنان بدون اجازه همسر می‌توانند به جنگ بروند.<sup>(۱)</sup>

براساس تفکرات عالمان سلفیه، گروه‌های جهادی و تکفیری تلاش می‌کنند با کارهای انقلابی به سرعت جامعه کافر شده را به جامعه‌ای مسلمان تبدیل کرده و حکومت اسلامی را با جهاد مداوم احیا کنند. آنان به‌طور معمول با رهبر (ولی امر) خود بیعت می‌کنند و عملاً نوعی خلیفه‌گری کوچک شده را به نمایش می‌گذارند. اوج این نوع رفتار را می‌توان در بیعت گروه‌های مختلف جهادی و تکفیری در سراسر جهان عرب با اسامه بن لادن، رهبر تشکیلات القاعده، مشاهده کرد.

### نقد و بررسی

سلفیان جهادی فقط شیوه زور و غلبه و تسلط بر مراکز قدرت — که یکی از عواملی است که اهل سنت آن را منشأ پیدایش مشروعیت حکومت می‌دانند — را به‌عنوان دستاویزی برای طرح مسئله تشکیل خلافت اسلامی مطرح کرده و براساس آن عمل می‌کنند؛ زیرا آنان قطعاً در اوضاع کنونی نه عقد بیعت از طرف عامه مسلمین را خواهند داشت و نه تأیید اهل حل و عقد را؛ زیرا در میان عامه مسلمانان مخالفان بسیاری در مقابل سلفیان جهادی از شیعه و سنی وجود دارد؛ بنابراین در بحث روش‌شناسی، سلفیان جهادی فقط به روش زور و غلبه می‌توانند تفکر تشکیل حکومت اسلامی را جامعه عمل بپوشانند که این مسئله خود اشکالاتی بس شگرف دارد و با مبانی فقه سیاسی اهل سنت در این زمینه هم‌خوانی ندارد.

.(1).ibid.

نکنه دیگر آنکه به نظر می‌رسد از میان مذاهب چهارگانه اهل سنت فقط احمدبن حنبل و طرفداران و متفکران و فقیهان حنبلی (حنبل‌ها) که از قضا محل توجه و استناد شدید سلفیان جهادی هستند، به شیوه سوم عنایت دارند (الفر، ۱۴۰۶ق، ص ۲۴؛ ابن‌قدامه، ۱۳۸۸ق، ج ۸، ص ۵۲۶) و در کتب سایر مذاهب چهارگانه، امامت فقط به دو صورت منعقد می‌شود: ۱. انتخاب اهل حل و عقد. ۲. جانشین کردن امام قبلی (ماوردی، بی‌تا، ص ۲۱-۲۲).

قاضی عضد ایجی می‌گوید: «امامت با ۱. نص پیامبر یا امام سابق و ۲. با بیعت اهل حل و عقد نیز تعیین می‌گردد» (ایجی، ۱۳۲۵ق، ج ۸، ص ۳۵۱).  
دکتر وهبه الزحیلی در کتاب فقه الاسلامی و ادلته می‌گوید:

«فقهای اسلامی چهار طریق تعیین خلیفه اسلامی ارائه نمودند: نص، ولایت‌عهدی، تسلط با قهر و غلبه و بیعت، که تنها راه درست همان بیعت اهل حل و عقد به انضمام رضایت عموم مردم می‌باشد؛»  
همچنین او معتقد است ادله فقها و علمای اهل سنت که به سایر مبانی مشروعیت خلافت فتوا داده‌اند، ضعیف و غیرقابل اعتماد است (زحیلی، بی‌تا، ج ۸، ص ۶۱۵۸).

در تأیید نظرات فقهای اهل سنت باید گفت اساساً موضع شرع مقدس و دین مبین اسلام در برابر گروه‌های ستمگر و غاصب قدرت تسلیم و قبول نیست، بلکه قرآن کریم بر حرمت اطاعت از سلاطین جابر و فاسق و اعتماد نکردن به آنها تصریح کرده و حتی بر نفی و ردّ زمامدار فاسق و مقاومت و مبارزه با چنین حکومتی تأکید دارد؛ برای نمونه، خداوند متعال در سوره هود می‌فرماید: ﴿وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ﴾ بر ظالمان تکیه نکنید که موجب می‌شود آتش شما را فراگیرد» (هود(۱۱): ۱۱۳).  
این آیه بر این امر اشعار دارد که جایز نیست ظالمان و ستمگران متصدی امر حکومت و خلافت شوند و مردم نیز نباید به آنها اعتماد کنند و از آنان پیروی کنند؛ بنابراین

استیلاي حاکم فاسق و ستمگر نه تنها منشأ مشروعیت حکومت وی نیست، بلکه منشأ و جواز و حتی وجوب مبارزه و مقاومت و خلع وی از حکومت است. باید اعتراف کنیم که اگر نظریه غلبه و حکومت مبتنی بر زور به عنوان یکی از راه‌های مشروعیت حکومت، چنان‌که برخی از اهل سنت بدان معتقدند، پذیرفته شود، آنگاه حکومت در اسلام دچار هرج و مرج شده و قانون جنگل بر جامعه مسلمین حاکم خواهد شد؛ کما اینکه اکنون در جوامع اسلامی که با معضل گروه‌های تکفیری مواجه‌اند، شاهد چنین اوضاعی هستیم.

## ۲. عامیانه کردن اجرای حکم جهاد

گروه‌های تکفیری جهاد ابتدایی را برضد حکومت‌های اسلامی و دشمنان خویش و کسانی که با تفکرات خاص تکفیری آنان مخالفت دارند، برهمگان اعم از زن و مرد و کودک و بزرگسال واجب عینی می‌دانند و در این راه برای کودکان و نوجوانان و جوانان و زنان اذن ولی یا حاکم شرع را هم شرط نمی‌دانند؛ برای مثال، ایمن الظواهری رهبر کنونی القاعده در این باره در مقام فتوا اعلام می‌کند: «مسلمانان برای جهاد نباید منتظر اجازه گرفتن از کسی باشند؛ زیرا جهاد با آمریکایی‌ها، یهودیان و متحدانشان، یعنی منافقان مرتد، واجب عینی است» (الظواهری، بی تا، ص ۲۸).

گروه‌های تکفیری معتقدند برای رسیدن به هدف باید از هرگونه ابزاری، از جمله همه نیروهای انسانی موجود استفاده کرد و از همین رو، به عامیانه بودن اجرای حکم جهاد فتوا داده‌اند.

## بررسی و نقد

در نقد این تفکر باید اشاره شود که در منابع فقهی اهل سنت، وجوب جهاد ابتدایی منوط به تحقق شروط خاصی شده است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از بلوغ، عقل، آزادبودن (حریت)، مرد بودن و معذور نبودن؛ بنابراین، جهاد ابتدایی بر نابالغ، دیوانه، برده، زن، پیرمرد و معذور از شرکت در امر جهاد، مانند کور، زمین‌گیر، دارای نقص



عضو و بیمار ناتوان از سوارشدن بر مرکب و دویدن و همچنین فقیر ناتوان از تأمین مخارج خانواده خویش و هزینه‌های راه و تهیه سلاح، واجب نیست (ابن‌قدامة، ۱۳۸۸ق، ج ۱۰، ص ۳۶۶-۳۶۷؛ مطیعی، بی‌تا، ج ۱۹، ص ۲۷۰-۲۷۲)؛ همچنین جهاد از عهده کسی که پدر و مادرش به شرکت کردن او در جهاد راضی نیست، برداشته شده است، مگر آنکه جهاد برای او واجب عینی باشد.

فقه‌ها درباره ضرورت اجازه گرفتن از پدر و مادر مشرک و نیز اجداد خود و نیز درباره لزوم اجازه گرفتن از طلبکار برای عزیمت به جهاد، اختلاف نظر دارند (مطیعی، بی‌تا، ج ۱۹، ص ۲۷۶-۲۷۷)؛ همچنین کشتن زنان، کودکان، دیوانگان و نیز ناتوانان از جنگیدن، مانند افراد پیر و نابینا و زمین گیر، در صورتی که از فکر و نظر آنان در جنگ استفاده نشود، حرام است، مگر در حال ضرورت؛ مانند آنکه کفار از وجود آنان به عنوان سپر استفاده کنند یا چیره شدن بر دشمن منوط به کشتن ایشان باشد (همان)؛ همچنین از نگاه علمای اهل سنت حکم جهاد باید با اذن امام یا حاکم شرع باشد (نک: عثیمین، ۱۴۱۳ق، ج ۲۵، ص ۳۱۴)، نه با میل و اختیار خود و با هرگونه شرط.

### ۳. بسط مفهوم جهاد

سلفیه جهادی با تغییر و تبیین دوباره و بسط برخی از مفاهیم اسلامی، تئوری پردازی جدیدی در زمینه مسائل فقهی و اجتماعی و سیاسی اسلامی، از جمله مفهوم جهاد کرده‌اند. سید قطب معتقد است که فقط یک دارالاسلام وجود دارد و آن همان است که دولتی اسلامی در آن برپا شده و شریعت خدا بر آن حاکم است و حدود خدا اقامه می‌شود و مسلمانان دوست یکدیگرند (سید قطب، بی‌تا، ص ۲۴۷)؛ همچنین او می‌گوید لازم است جامعه‌ای به وجود آوریم که تمام اصول و فرمان‌های اسلام در آن اجرا شود و فقط قانون و شریعت خداوند در آن حاکم و داور باشد و بس (همان، ص ۲۶۱ و ۱۹۴). جامعه‌ای که دارای این خصوصیات نباشد، حتی با وجود ظاهر اسلامی و ادعای حکومت اسلامی، دارالحرب یا جامعه جاهلی است (همان، ص ۱۶۹).

بنابر تعریف سید قطب، جامعه جاهلی، علاوه بر یهودیان و مسیحیان و سایر ادیان، حکومت‌های اسلامی را که خصوصیات جامعه اسلامی ندارند نیز شامل می‌شود که باید با آنان جهاد کرد.

### بررسی و نقد

در نقد این تفکر باید گفت که پیروان گروه‌های یادشده، درحقیقت، در مفهوم «جهاد و عدو» تصرف کرده و آنرا گسترش داده‌اند؛ درحالی‌که مفهوم جهاد در قرآن کریم روشن و معین است. قرآن جهاد با «عدو» را در جهاد با «کافران» و «منافقان» و «اهل بغی» خلاصه می‌کند و می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ﴾: ای پیامبر، با کفار و منافقان پیکار کن و بر آنان سخت بگیر (توبه (۹): ۷۳)، ﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَت إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِئَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ﴾: اگر دو گروه از مؤمنان با یکدیگر پیکار کنند، میان آنان صلح برقرار کنید؛ پس اگر یکی از آن دو گروه بر دیگری ستم کند، با گروه ستمگر بجنگید تا به امر خداوند بازگردد» (حجرات (۴۹): ۹).

سلفیان متقدم نیز — که سلفیان جدید داعیه پیروی آنان را دارند — عقایدی متفاوت با سلفیان جهادی یادشده دارند که در ادامه به دیدگاه‌های برخی از آنان اشاره می‌کنیم:

۱. احمدبن حنبل که همه سلفیان با تفاوت‌هایی که دارند، او را پیشوای خود می‌دانند، خروج بر حکومت‌های منحرف را جایز نمی‌داند. ابوزهره در کتابش به حکمی از رساله احمدبن حنبل اشاره می‌کند: «وظیفه ما شنیدن و پیروی کردن از فرمان‌های حاکمان است، خواه نیکوکار باشند یا بدکار. هرکس از اطاعت حاکمی که مردم فرمان‌روایی او را با طیب نفس یا به‌زور پذیرفته‌اند، بیرون برود و برخلاف او قیام کند،

رشته وحدت را گسسته و اگر بمیرد، مرگ او مرگ جاهلیت است» (ابوزهره، ۱۳۸۴ش، ج ۱، ص ۳۲۲).

۲. ابوالحسن اشعری (م ۳۲۴ق) اصول عقاید احمد را در بیش از پنجاه بند تنظیم می‌کند و در بند ۳۵ چنین می‌نویسد: «باید از خدا خواست تا به زمامداران صلاح و پایداری بخشد. آن‌گاه که از آنان کجی ظاهر گشت، خروج با شمشیر بر آن‌ها، ضلالت و گمراهی است» (اشعری، ۱۴۱۱ق، ص ۳۲۰-۳۲۵).

۳. ابوالحسن ملطی (م ۳۷۷ق) که به تنظیم عقاید اهل حدیث پرداخته است، در این باره می‌گوید:

«شکیبایی زیر پرچم سلطان دادگر و یا ستمگر یکی از اصول ماست و نباید با امیران جائز به نبرد برخاست و بر روی آنان شمشیر کشید» (ملطی، ۱۴۱۳ق، ص ۱۲).

۴. احمد بن تیمیه (م ۷۲۸ق)، احیاگر سلفی‌گری در قرن هشتم، همین نظر را تأیید می‌کند و می‌نویسد:

«هرگاه شخصی مانند «یزید» و «عبدالملک» و «منصور دوانیقی» مسند خلافت را اشغال کرد، نباید آنان را از این مقام پایین کشید و با آنان جنگید تا دیگری جای آنان بنشیند؛ زیرا ضرر این کار بیش از نفع آن است و غالب قیام‌هایی که بر ضد خلفا انجام گرفته است، شرّ آن بیش از خیر آن بوده است» (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۵۲۷).

#### ۴. اولویت جهاد بر سایر فروع دین

جهاد یکی از عناصر اصلی گفتمان اسلام‌گرایی افراطی معاصر بوده است. از دیدگاه سلفیون جهادی، جهاد از همه فروع دینی و اصول عملی اسلام همچون نماز و روزه و حج مهم‌تر و مقدم‌تر است و هر مسلمانی به جهاد نپردازد، اصل اسلام را درک نکرده است (زرقاوی، ۱۴۲۷ق، ص ۲۱۴). در اندیشه تکفیری - جهادی، مسئله جهاد از یکی از

مباحث فروع دین اسلام، به یکباره به اصلی درجه اول بدل می‌شود. زرقاوی می‌گوید:  
 «امروز جهاد فی سبیل الله دوی بسیاری از دردهایی است که  
 امت اسلامی از آن‌ها رنج می‌برد. بدانید هیچ چیزی بعد از توحید با  
 جهاد برابری نمی‌کند»

متن سخنرانی زرقاوی با عنوان ولتستین سبیل المجرمین،

[www.paldf.net/forum/showthread.php?t=25470](http://www.paldf.net/forum/showthread.php?t=25470)

اسامه بن لادن، مسئول گروه القاعده، طی سخنانی خطاب به مجاهدان، نجات و  
 سعادت انسان‌ها را در دنیا و آخرت، عمل به اسلام و جهاد در راه خدا معرفی می‌کند  
 (پیام ماهواره‌ای رهبران القاعده، منسوب به احمد الحذنوری العامری، روزنامه نوروز، ۵  
 اسفند ۱۳۸۱).

### بررسی و نقد

با مراجعه به کتب فقهای اهل سنت در می‌یابیم که آنان جهاد را نه تنها از فروع دین  
 می‌شمردند، بلکه فرایضی همچون نماز را بر جهاد مقدم می‌دارند.  
 محمد الامیر المالکی نماز را اعظم عبادات می‌داند؛ چون نماز ستون دین است  
 (سیدی محمد امیر، ۱۴۲۶ق، ج ۱ ص ۴۷).

صالح فوزان می‌گوید:

«إن الصلاة هي الركن الثاني من أركان الإسلام بعد الشهادتين وهي الفارقة  
 بين المسلم والكافر وهي عمود الإسلام و أول ما يحاسب عنه العبد. فإن  
 صحت و قبلت قبل سائر عمله و إن ردت، رد سائر علمه: نماز دومین رکن از  
 ارکان اسلام بعد از شهادتین است. نماز جداکننده مسلمان و کافر، عمود دین  
 و اولین سؤال در قیامت است که در صورت مقبول واقع شدن، سایر اعمال  
 مقبول می‌شود و در صورت مقبول واقع نشدن، سایر اعمال نیز مقبول واقع  
 نخواهد شد» (فوزان، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۱۵).

طبق روایت کتاب صحیح بخاری، فضیلت نماز و نیکی به پدر و مادر، بیش از جهاد است (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۱۲).

باید به این نکته اشاره کرد که از دیدگاه برخی مؤلفان مسلمان، وجوب جهاد به معنای وجود تقابل همیشگی میان مسلمانان و غیرمسلمانان نیست، بلکه جهاد به منزله آخرین راه حل برای تثبیت مصالح اسلام و مسلمانان است (زحیلی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۹۰ و ۹۷).

پیش از آغاز جهاد لازم است که طرف مقابل را به اسلام و تعالیم الهی آن و رهاکردن کفر و عصیان در برابر خدا و زیر پانگذاشتن حقوق انسان‌ها دعوت کرد و ابتدا به مناطق نزدیک‌تر به سرزمین اسلامی پرداخت (شافعی، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م، ج ۴، ص ۱۷۷؛ مطیعی، بی تا، ج ۱۹، ص ۲۸۵-۲۸۷). به نظر برخی فقها، به استناد سیره پیامبر اکرم، در اوضاع مناسب و آمادگی سپاه اسلام برای جهاد، انجام دادن آن حداقل یکبار در هر سال واجب است و فرار از میدان نبرد جایز نیست، مگر در موارد استثنایی (ابن قدامه، ۱۳۸۸ق، ج ۱۰، ص ۳۶۷-۳۶۸؛ مطیعی، بی تا، ج ۱۹، ص ۲۶۶).

شیعه و اهل سنت به رغم اختلافاتی در باب مفهوم جهاد، بر این امر متفق‌اند که جهاد در اسلام تابع قواعد و احکامی است؛ همچنان‌که در اجرای استراتژی جهاد، قرآن نخست این حق را با دعوت استیفا می‌کند و در مرحله بعد، در دفاع از مسلمانان و اسلام به جنگ می‌پردازد. نهایتاً از کشتن مجروحان نهی می‌کند و به مداوای آنان می‌پردازد؛ چنانچه خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿فَإِنِ اعْتَزَلْتُمْ فَلَكُمْ يُقَاتِلُكُمْ وَآلِقُوا إِلَيْكُمْ السَّلَامَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا﴾: اگر از شما کناره‌گیری کردند و با شما نجنگیدند و با شما طرح صلح افکندند، خدا برای شما راهی (برای تجاوز) بر آنان قرار نداده است» (نساء: ۴: ۹۰).

##### ۵. محدود کردن مفهوم جهاد به جنگیدن و قتال

عبدالله عزام، از علمای سلفی و رهبران جهادی در جنگ افغانستان که از او به عنوان

پدر معنوی القاعده یاد می‌شود، تأکید می‌کند که به نظر وی، فهمی نادرست از کلمه جهاد در میان مسلمانان شکل گرفته است که فکر می‌کنند جهاد هر نوع تلاش در راه خداست و آن را به سحرخیزبودن و خواندن خطبه و سخنرانی یا خدمت به خانواده و پدر و مادر تفسیر می‌کنند؛ درحالی که جهاد فقط به معنای «قتال» است (عمرای، ۱۴۲۱ق؛ جوکار، ۱۳۸۶؛ جمالی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۲-۱۶۳).

### بررسی و نقد

در نقد این تفکر خاص نیز می‌گوییم مفهوم لغوی و اصطلاحی جهاد با توجه به مبانی و استعمالات قرآن و همچنین تفسیر مفسران و روایت پیامبر اسلام، مفهوم عامی نسبت به قتال دارد و فقط شامل کشتن و جهاد نظامی نیست و این نوعی تصرف در معنای الفاظ بدون دلیل روشن است که سلفیان جهادی انجام داده‌اند؛ حتی یک عالم سلفی وهابی مانند شیخ ابن عثیمین نیز معنای جهاد را عام دانسته و بدین دلیل، جهاد با نفس را با جهاد با کفار مقایسه می‌کند و می‌گوید:

«جهاد با نفس جلوتر از جهاد با کفار است؛ زیرا انسان با کفار جهاد نخواهد کرد، مگر اینکه قبلاً با نفس خویش مجاهدت کرده باشد؛ زیرا کشته شدن چیزی است که برای نفس آدمی ناپسند است (عثیمین، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۴۲۱).

عبارت ماوردی نیز در ذیل روایت «أَنَّ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ وَقَدْ رَجَعَ مِنْ بَعْضِ عَزَوَاتِهِ: "رَجَعْنَا مِنَ الْجِهَادِ الْأَصْغَرِ إِلَى الْجِهَادِ الْأَكْبَرِ: از جهاد اصغر به جهاد اکبر رجوع کردیم"» به عام بودن مفهوم جهاد اشاره دارد (ماوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۴، ص ۱۱۳).

### نتیجه

از مجموع مطالب بیان شده این نتیجه به دست می‌آید که در دوران معاصر در کشورهای متعدد اسلامی گروه‌ها و جریان‌های افراطی متعددی همچون القاعده، داعش، طالبان، سپاه صحابه، بوکوحرام، الشباب و... ایجاد شده‌اند که دارای اندیشه‌های جهادی

و افراطی همچون اسقاط حکومت‌های کنونی و احیای خلافت اسلامی با زور و غلبه، عامیانه کردن مفهوم جهاد، بسط مفهوم جهاد و توسعه آن به دیگر حوزه‌ها، اولویت جهاد بر سایر فروع دین و محدود کردن مفهوم جهاد به جنگیدن و قتال هستند و برپایه اندیشه‌های یادشده، به قتل و غارت و پدید آوردن حوادث هولناک در کشورهای اسلامی یا غیراسلامی می‌پردازند؛ لیکن اندیشه‌های یادشده نه تنها از نگاه فقیهان امامیه باطل و برخلاف عقل و شرع است، بلکه فقیهان مذاهب مختلف اهل سنت نیز دیدگاهی برخلاف اندیشه‌های یادشده دارند و در منابع متعدد فقهی و غیرفقهی خود با استناد به آیات قرآن و روایات و سیره پیامبر و صحابه به رد و نفی دیدگاه‌های یادشده پرداخته‌اند.

بنابراین، با مطالعه دیدگاه‌های جهادی این گروه‌ها و تطبیق آن‌ها با اندیشه‌های فقهی اهل سنت، درمی‌یابیم که ادعای آنان مبنی بر تطابق آرا و دیدگاه‌های آنان با دیدگاه‌های سلف نخستین نادرست بوده و این ادعا فقط برایتوجیه رفتارهای غیرشرعی و به دور از فطرت انسانی بوده است.

## منابع

### نهج البلاغه.

۱. ابن تیمیه، تقی‌الدین احمد بن عبدالحلیم (۱۴۰۶ق)، منهاج السنه النبویه فی نقض کلام الشیعه القدریه، المحقق: محمد رشاد سالم، ریاض، جامعه الإمام محمد بن سعود الإسلامیه، الطبعة الأولى.
۲. ابن حجاج، مسلم (بی‌تا)، کتاب الجنایز، بیروت، دار الفکر.
۳. ابن قدامه، موفق‌الدین حنبلی (۱۹۶۸م)، المغنی، قاهره، مکتبه القاهره.
۴. ابوزهره، محمد (۱۳۸۴ش)، تاریخ مذاهب اسلامی، مترجم: علیرضا ایمانی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
۵. اخوان المسلمین (۱۹۳۸ق)، من خطب حسن البنا، دمشق، دوره الأولى، بی‌نا.
۶. اسعد القاسم (۱۴۱۷ق)، إزمه الخلافة و الامامة و آثارها المعاصرة، قم، دارالمصطفی.
۷. اسماعیلی، حمیدرضا (۱۳۸۶ش)، القاعده از پندار تا پدیدار، تهران، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
۸. اشعری، ابوالحسن (۱۴۱۱ق)، مقالات الإسلامیین و اختلاف المصلین، تحقیق محمد محیی‌الدین عبدالحمید، صیدا، بیروت، المکتبه العصریه.
۹. امینی، عبدالمؤمن (۱۳۹۳ش)، جریان تکفیری طالبان در افغانستان و جنایت‌های آنان، قم، مجموعه مقالات کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، شماره شش.
۱۰. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۲۲ق)، صحیح بخاری، بیروت، دار طوق النجاة، الطبعة الأولى.
۱۱. برگر، پیتروال (۱۳۹۰ش)، اسامه بن لادن، ترجمه عباس قلی غفاری فرد، تهران، اطلاعات، چاپ اول.
۱۲. پهلوان، چنگیز (۱۳۷۰ش)، عصر مجاهدین و برآمدن طالبان، تهران، قطره.
۱۳. جمالی، جواد (۱۳۹۰ش)، افراط‌گرایی در پاکستان (مبانی، عملکرد و چشم‌انداز)، تهران، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
۱۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰ش)، «مدل تئوریک تحلیل افراط‌گرایی (با کاربست نظریه سازه‌نگاری)»، مجله آفاق امنیت، شماره ۱۲.
۱۵. جوکار، محمدصادق (۱۳۸۶ش)، «چیستی نوین‌ادگرایی اسلامی»، نقل شده از: سایت باشگاه



اندیشه.

<http://www.bashgah.net>

۱۶. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (۱۴۱۱ق)، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیة، الطبعة الأولى.
۱۷. مؤسسه دائرة المعارف الفقه الإسلامی، دانش نامه جهان اسلام (۱۳۸۶ش)، تهران.
۱۸. رب نواز طاهر، (بی تا)، نقوش جهنگوی، کراچی، مکتبه خلافت رشده.
۱۹. راجحی، عبدالعزیز بن عبدالله (۱۴۳۰ق)، الهدایة الربانیة فی شرح العقیدة الطحاویة، الرياض، دار التوحید.
۲۰. رشید رضا، محمد (۱۳۴۱ق)، الخلافة والإمامة العظمی، القاهرة، مطبعة المنار.
۲۱. رفعت، احمد (۱۳۷۹ش)، جنبش اسلامی و نظام سیاسی، ترجمه صغرا روستایی و مرضیه زارع، فصلنامه نهضت، سال ۱، شماره ۲.
۲۲. زحیلی، وهبة مصطفى (۱۴۰۱ق)، آثار الحرب فی الفقه الإسلامی، دمشق، بی نا.
۲۳. \_\_\_\_\_ (بی تا)، الفقه الإسلامی و أدلته، دمشق، دار الفکر.
۲۴. زرقاوی، ابومصعب (۱۴۲۷ق)، کلمات مزیئة: الكتاب الجامع لخطب و کلمات الشیخ المعتمز بدینه أبی مصعب الزرقاوی، بغداد، شبکه البراق الإسلامیة.
۲۵. سرافراز، محمد (۱۴۲۹ق)، حركة طالبان من النشوء الى السقوط، بیروت، دارالمیزان.
۲۶. سید قطب (۱۳۷۸ش)، نشانه های راه، ترجمه: محمود محمدی، تهران: امیر کبیر.
۲۷. \_\_\_\_\_ (بی تا) معالم فی الطریق، قاهره، الإتحاد الإسلامی العالمی.
۲۸. \_\_\_\_\_ (بی تا)، تفسیر فی ظلال القرآن، بی جا، بی نا.
۲۹. سیدی محمد امیر، (۱۴۲۶ق)، ضوء الشموع شرح المجموع فی الفقه المالکی، بی جا، بی نا.
۳۰. شافعی، محمد بن ادريس (۱۴۰۳ق)، الأم، بیروت، بی نا.
۳۱. شلبی، احمد (۱۹۶۶م)، السیاسة و الإقتصاد فی التفكير الإسلامی، قاهره، مکتبه النهضة المصریة.
۳۲. عابدی، اکبر و دیگران (۱۳۹۵ش)، آشنایی با جریان های سلفی — تکفیری، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مرکز باقر العلوم ع.
۳۳. عبدالرحیم جمال و ایمن الظواهری (بی تا)، الولاء و البراء عقیدة منقولة و واقع مفقود، قاهره، مدبولی الصغیر.
۳۴. عبدالکریم، محمد (۲۰۱۳م)، تفکیک الإستبداد: دراسة مقاصدیة فی فقه التحرر من التغلب،

- بیروت، الشبكة العربية للأبحاث والنشر.
۳۵. عثيمين، محمد بن صالح (۱۴۱۵ق)، فتاوى منار الإسلام، رياض، دار الوطن.
۳۶. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳ق)، مجموع فتاوى و رسائل فضيلة الشيخ محمد بن صالح العثيمين، رياض، دار الوطن و دار الثريا.
۳۷. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۵ق)، فتاوى منار الإسلام، رياض، دار الوطن.
۳۸. عماد، عبدالغنى (۲۰۱۳م)، الحركات الإسلامية، بيروت، مركز دراسات الوحدة العربية.
۳۹. عمر اوى، خالد إبراهيم (۱۴۲۱ق)، «الجهاد من خلال النصوص الشرعية»، العدد ۱۵۶، السنة الرابعة عشرة، نقل شده در:
- [www.al-waie.org/archives/article/3531](http://www.al-waie.org/archives/article/3531)
۴۰. فاروقى، ضياء الرحمن (۱۹۹۵م)، تاريخ دستاویز، جهنگ، سپاه صحابه.
۴۱. فدوى، عبدالقيوم (۱۳۷۸ش)، اسامه بن لادن و ماجراها، تهران، مفاخر.
۴۲. فراء، محمد بن الحسين (۱۴۰۶ق)، الأحكام السلطانية، قم، دفتر تبليغات اسلامى.
۴۳. فرج، محمد عبدالسلام (۱۹۸۱م)، الجهاد فريضة الغائبة، قاهره، بى نا.
۴۴. فيرحى، داوود (۱۳۸۷ش)، «مفهوم جنگ و اخلاق نظامى در اسلام شيعى»، فصلنامه سياست، دوره ۳۸، شماره ۱.
۴۵. قاسمى ورجانى، مهدي (۱۳۹۴ش)، گفتمان داعش (تبيين ذهنيت سياسى سلفى تكفيرى)، تهران، ستوس، چاپ اول.
۴۶. قشيري نيسابورى، مسلم بن حجاج (بى تا)، صحيح مسلم، بيروت، دار احياء التراث العربى.
۴۷. كريمى حاجى خادمى، مازيار (۱۳۹۲ش)، خاستگاه و مباني فكرى طالبان، تهران، كانون انديشه جوان.
۴۸. كميل الطويل (۲۰۰۷م)، القاعده و اخواتها، قصة الجهادين العرب، بيروت، دار الساقى، الطبعة الأولى.
۴۹. گروهى از نويسندگان (۲۰۱۲م)، القاعده بعد ابن لادن، امارات متحده عربى، المسبار، الطبعة الأولى.
۵۰. ماوردى، ابوالحسن (۱۴۱۹ق)، الحاوى الكبير فى فقه مذهب الإمام الشافعى، بيروت، دار الكتب العلمية.
۵۱. \_\_\_\_\_ (بى تا)، الأحكام السلطانية، قاهره، دار الحديث.

۵۲. محیطی، مرتضی (۱۳۹۴ش)، «خلافت از دیدگاه سلفیه جهادی»، نشریه سراج منیر، شماره ۱۹.
۵۳. مطیعی، محمدنجیب (بی تا)، التکمله الثانیه، المجموع: شرح المهذب، در نؤوی، یحیی بن شرف، المجموع: شرح المهذب، بیروت، دارالفکر.
۵۴. ملطی، ابوالحسین محمدبن احمد (۱۴۱۳ق)، التنبيه و الرد على أهل الأهواء و البدع، قاهره، مکتبه مدبولی.
۵۵. مهاجرانی، عطاءالله (۱۳۸۲ش)، اسلام و غرب، تهران، اطلاعات.
۵۶. نوروزی، نورمحمد و دیگران (۱۳۸۲ش)، چالش مشروعیت و بازسازی نظم سیاسی در خاورمیانه، تهران، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
۵۷. وینست، آندرو (۱۳۷۱ش)، نظریه‌های دولت، ترجمه حسین بشیریه، تهران، نشر نی.
- هوشنگی، حسین و دیگران (۱۳۹۰ش)، بنیادگرایی و سلفیه بازشناسی طیفی از جریان‌های دینی، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام

1. [www.nokbah.com](http://www.nokbah.com).
2. [www.paldf.net](http://www.paldf.net).
3. <http://www.ilmway.com>, سایت منبر التوحید والجهاد.